



ارامنه ایران

از: علی جواهر کلام

برنده ره بیابان دریابان

بکوهستان ارمن شد شتابان
«نظامی گنجوی»

نخستین بار که در تاریخ ایران نامی از ارمنستان برده شده در کتوبه های حجاری بیستون (۵۲۱ قبل از میلاد) موهباشد در آنجا داریوش ضمن سایر ساتراپی ها ارمنستان را هم اسم برده است از آن تاریخ تاکنون که قریب ۲۵ قرن موشود هیچگاه ارامنه و ایرانیان از هم جدا نبوده اند، کشوش کارا کین از دانشمندان مصر اواخر ارامنه که فرهنگی هم بزبان ارمنی و فارسی تالوف کرده در کتاب دیگر خود موسوم به تاریخ کلیسای ارامنه بزبان انگلیسی موهگوید کریگور مقدس بانی و مؤسس مذهب کریگوری ارمنی اهل خراسان بوده و پدرش آنک باهدر اردشیر بابکان قراپت نزدیک داشته است بنا بر روایات مذهبی این کریگور مقدس که قریب پانزده سال در زندان بت پرستان مقید بوده سرانجام آزاد شده و در سال ۳۰۱ میلادی آئین مسیح را در میان ارامنه ترویج کرد و در نزدیک شهر ایروان در محلی موسوم به ایج میادزین کلیسائی بنا نمود که آنرا اوج کلیسای موهگویند موه و راست که در این محل یک

سکوی مرتفع سنگی هست که حضرت مسیح بر روی آن سکو به کریگور مقدس تجلی موه کرد و او را برکت موه داد حکوم نظامی گنجوی که از بزرگترین داستان سرایان بزمی ایران موهباشد موضوع عشق و ازدواج خسرو پرویز شاهنشاه ایران را با شهرین ملکه ارمنستان به بهترین طرز تنظیم فرموده که هنرمندان با استعداد موه توانسته عالی ترین نمایشها را از آن مثنو موه لکتری ترتیب بدهند. نظامی موه فرماید خسرو پرویز شاه پوریوشکسار خود را برای خواستگاری شهرین با ارمنستان فرستاد برنده ره بیابان دریابان بکوهستان ارمن شد شتابان در آن موقع موهین بانو ملکه ارمنستان و شهرین برادرزاده او ولیعهد بود سرانجام شهرین به پنهانی برای دیدار خسرو به تسفون آمد و موهین بانو از این بابت نگران گشت موهین بانو چوبش نمود این سخن را صلا در داد عم های کهن را ولی شهرین که از افسردگی عمه خود خبردار شد با ارمنستان باز آمد و

بدنهال او خسرو پرویز برای خواستگاری رسمی بخواست و موهین بانو شتافت در این اثناء موهین بانو در گذشت و شهرین خود پادشاه ارمنستان شد. چو بر شهرین مقرر گشت شاهی فروغ ملک بر موه شد ز ماهی سر انجام خسرو فرمان داد در نزدیک تسفون پای تخت آنروز ایران کاخ و ویلای مجللی برای شهرین بسازند که هنوز هم آن محل بنام قصر شهرین در مرز کنونی ایران و عراق شهرت دارد بساز آنجا چنان قسری که بساید ز مادی خواست کن فردی که شاید موه موهنکه قصر آماده شد شهرین با تشریفات شاهانه به اقامتگاه خود آمد همواره کعبه ریزد گوهر انداز بیاوردند شهرین را پس در نیاز گرفت آنکاه خسرو دست شهرین بر خود خواند موه بدر که پنهنون حکوم نظامی سپس شرحی از وفاداری این بانوی ارمنی را موهستاید که چگونه بعد از خسرو خود را گشت و در کنار معشوق بخاک رفت.

بعد از اسلام - پس از حمله اعراب و انقراض دولت ساسانی ارامنه همه جا در محنت ایران شریک و سهیم بودند. در هجوم مغول در کشتار امور تیمور در فتنه افغان و خلاصه در کلیه مراحل گرفتاری ها ارامنه از ایران جدا نماندند در ضمن چون ارمنی ها موهی شده بودند از فرمانروایان متعصب عرب - سلجوقی و عثمانی مانده ایرانیان بلکه خیلی بیشتر از ایرانی ها زجر کشیدند. موسی خورانی از مورخین نامی ارامنه موهگوید چون کلیه ملل خاور میانه اسلام آوردند ارمنی های مسیحی مانند مردمان جزیره ای بودند که اطرافشان را آب گرفته و راه فرار نداشتند اما بتصدیق همان مورخ و سایر مورخین ایرانیان مسلمان کاملاً از این موضوع مستثنی شدند و ارمن ها را نه تنها از خطر و حملات دشمنان در مواقع متعدد نجات دادند بلکه آنها را در حکومت و فرمانروائی نیز مداخله دادند بر عکس خلفای عثمانی که بارها حکم قتل عام ارمنی ها را صادر و اجراء کردند. سبب اینکه مادر سلطان محمد الحمید خلفه دیکتاتور عثمانی ارمنی بود ولی این مرد خونخوار بیش از

ارامنه ایران

مخصوص ارامنه کریگوری میباشند. بطور کلی ارامنه از حیث مذهب به چهار دسته تقسیم میشوند از اینقرار:

۱- ارامنه کریگوری تابع کریگوری مقدس که شرحش گذشت. این دسته از ارامنه هیدمیلادمسوح را روز ششم ژانویه و داتند در صورتیکه سایر مسیحیان معتقدند هیدمیلادمسوح روز ۲۵ ماه دسامبر است این عده از ارامنه از انجیل و گفته کریا پدر یحیی و الوزابت مادر یحیی دلیل مهاورند که ششم ژانویه (و نه ۲۵ دسامبر) تولدمسوح واقع شد در صورت روز تولدمسوح را بزبان فارسی روز خاج شویمان میگویند چون مشهور بوده که اگر روز خاج شویمان آفتابی باشد ارامنه یک خروس طلا بدو ت ایران بدهند.

۲- دسته دوم از ارامنه کاتولیک و تابع پاپ روم میباشد.

۳- دسته سوم پروتستان هستند.

۴- دسته چهارم راشنبه داران یا ادوان توست میگویند.

این فرقه ابتدا در امریکا ظهور کرد اکنون در ایران هم میان ارامنه نفوذ کرده است و در تهران در خیابان نادری نمازخانه مخصوصی دارند. شنبه داران میگویند در انجیل مذکور است که اگر آسمانها از هم شکافته شود محال است که نقطه ای از احکام تورا تغییر کند و یکی از احکام تورا هم این است که روز شنبه باید تعطول باشد.

و اما جلفا و سایر نقاط ارمنی نشین ایران در دوره صفویه همه نوع پیشرفت کرد. کشاورزان ارمنی با طرف فریفتند چهارم محال رفتند که اکنون هم پیش از سی هزار کشاورز ارمنی در آنجا سکونت دارند شاه عباس سده ای از ارامنه را بهمانند دران کوچ داد و چون خودکند مازندران زیاد بود ارامنه آنجا را تنها میداشتند ولی در خود جلفای اصفهان هم از این باب ناراحت نبودند. آنتوان شرلی در ساحت نامه خود میگوید چند شب در جلفای اصفهان میهمان خواجه نظر کلاتی جلفا بودیم و در آنجا دو چیز شگفت آور دیدیم اول اینکه تمام ظروف مشروب غذا طلا بود و دوم اینکه خوراک تازه میساز کرده سر میز آوردند و این خود بسیار عجیب است که در یک سرزمین مسلمان و در پای تخت اسلامی ارامنه آنقدر آزادی دارند که میتوانند خود بخورند و بپزند.



یک دختر ارمنی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بنا بر عایت بی غنایت شاهانه و شفقت بلا نهایت پادشاهانه درباره ارامنه جولاه و ترقیه حال ایشان اراضی وزمین واقع در کنار رودخانه زاینده رود دارالسلطنه اصفهان که ایشان در آنجا خانه ترتیب داده اند و ملک نواب همایون ماست بانعام ایشان شفقت فرموده ارزانی داشتیم مستوفیان عظام کرام دیوان زمین مذکور را از ملکوت دیوان بر طرف ساخته بانعام ارامنه مذکور در دفاتر عمل نمایند وزیر کلاتر و عمال اصفهان حسب المسطور مقرر دانسته از فرموده درنگ گذرند و زمین مذکور را بانعام ایشان مقرر دارند تحریر فی شوال ۱۰۲۸ هـ این فرمان در موزه کلهاسی وانک فعلا موجود است و اما وانک در زبان ارمنی بمعنای کلهاسی بزرگ می آید و این کلهاسی که بامر و همت شاه عباس کبیر بنا شد

کنار ارس را فوری کوچ بدهند و از کنار رود ارس بحوالی اصفهان پایتخت شاهنشاهی ایران انتقال دهند. شاه عباس کبیر پنج هزار تومان پول آنروز را برای کوچاندن ارامنه تخصیص داد و تهماسب قلی بیک غلام خاصه سلطنتی را با صدها استرواسب مامور ساخت که مهاجرین را بر راحتی از کنار رود ارس به جلفا بیاورد. و اینک عین دستخط شاه عباس کبیر درباره واگذاری اراضی اطراف اصفهان بار ارامنه.

مهر مربع شاه عباس در بالای فرمان

بنده شاه ولایت عباس

حکم مطاع شد آنکه درینوقت

یک مهاجر ارمنی را بطور مستقیم و غیر مستقیم هلاک کرد و روی همین خونخواری های عثمانی بود که بامر شاه عباس کبیر جلفای اصفهان بنا شد.

جلفا کیجاست ؟

در زبان ارمنی جلفا را جوقامی میگویند و جلفای اصلی شهری در کنار رود ارس بوده که تمام سکنه آن ارمنی بودند و اکنون نوزد و قصبه کوچک بنام جلفا در دو طرف رود ارس هست که یکی در خاک ایران و دیگری در خاک شوروی قرار دارد بهر حال در سال ۱۰۱۳ هجری قمری سیه سالار دولت عثمانی سنن پاشا جفال اوغلو بنهصد هزار سوار او پیاده از راه قفقاز بایران حمله آورد. شاه عباس کبیر که فساد عثمانیان را با ارامنه میدانست برای نجات آنان دستور فرمود ارامنه جلفای



چند چهره از ارامنه ایران

شاردن در سفر نامه خود در ارجاع بارامنه جلفا چنین مینویسد:

«وقتی که ارامنه به جلفا آمدند هیچ چیز نداشتند اما در عرض سی سال چنان صاحب مکنّت شدند که در میان آنها کسانی که مالک صد هزار تاج چار کرور تومان باشند از شصت نفر زیاد ترند.

شاه عباس کبیر و سایر پادشاهان صفویه ارامنه را واسطه ارتباط شرق و غرب قرار دادند و بسویله آنان با اروپائیان همه نوع دادوستد و آمیزش داشتند ارامنه هم در بسط و توسعه بازرگانی ایران همت گماشتند و تا آنسی نقاط اروپا پوشرفتند و منما متمولین آنها همه ساله با اجازه دولت ایران برای زیارت بیت المقدس - ازم میشدند و همینکه باز میگشتند مثل حجاج مسلمان عنوان تراز ای پیدا میگردند و بآنان ماهتسی میگفتند یعنی کسی که بدیدار خداوند نایل آمده است.

ارامنه ایران همان معتقدند که خلیفه خاجاقور ارمنی در سال ۱۶۴۰ میلادی در زمان سلطنت شاه صفی در جلفا مطبعه ای دایر کرد و کتابی راجع بشرح حال مقدسین بزبان ارمنی طبع کرد که اکنون در موزه کلو سالی وانک موجود میباشد. کتاب مزبور فعلا در آن موزه هست ولی چون تاریخ ندارد نمیتواند صحت آن ادعا را تایید کند در همین حال ارامنه کاتولیک میگویند مبشرین کاتولیک در زمان شاه

عباس از کوه کرمل باصفهان آمدند و مطبعه ای با حروف عربی و فارسی در جلفا دایر کردند.

پرنس ملکم خان ناظم الدوله
در محله سنکتر اشان جلفای اصفهان مرد دانشمندی موزیت که او را امیرزا یعقوب میگویند. مورزا یعقوب زبانهای فرانسه و فارسی و ارمنی و ترکی را خوب میدانست و شغلی مبلعی بسود در سال ۱۲۴۹ هجری قمری مورزا یعقوب پرسی پیدا کرد که او را ملکم نامیدند ملکم تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان تمام کرد.

سپس مورزا یعقوب او را بسارویا فرستاد ملکم پس از آنکه در علوم سیاسی فارغ التحصیل شد بایران برگشت ابتدا معلم دارالفنون بود سپس در سلك رجال سیاسی در آمد و مدتی هم وزیر مختار ایران در لندن بود ولی آنچه که ملکم را در میان ایرانیان مشهور داشته است یکی عشق و جانبازی و فداکاری او در راه آزادی و آبادی ایران می باشد و دیگر استعداد فوق العاده او در اصلاح خط و زبان فارسی است که در هر سه قسمت الحق و الانصاف از پیشقدمان درجه اول محسوب میگردد. ملکم بخاطر بیاداری مردم ایران دست از جام مقام کشید و چون در ایران کاری از پیش نمهرفت در لندن يك روز نامه فارسی بنام قانون انتشار داد و چهل

و دو شماره آنرا مرتباً منتشر ساخت و همینکه روزنامه مزبور در اثر فشار دولت آنروزی ایران در لندن توقیف شد ملکم بتألیف کتب و انتشار مقالات متنوع پرداخت و تا آخر عمر این فداکاری را ادامه داد و آخرین مقالات او در دوره اول روزنامه سوراسر قبل انتشار یافت که در آن موقع ملکم وزیر مختار ایران در رم بود سرانجام ملکم در سال ۱۳۲۶ در سن ۷۷ سالگی در سوئیس در گذشت ملکم در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه لژ فراموشی را بنام فراموش خانه دایر کرد. آثار ملکم عبارت است از چند نمایشنامه - يك دوره روزنامه قانون مکتوب خصوصی کلیات و غیره که بعضی از آن طبع رسیده است و اینک نمونه ای از انشای فارسی ملکم که سر مشقی برای انشای روان فارسی نویسی ساده امروزه بشمار میرود:

«از خطبهای حکمرانی ایران یکی هم آن است که منصب را به یکی میدهند و شغل را بدیگری اگر صاحب منصب قابل است شغل او را بخودش بدهد و اگر نیست چرا منصب دیگری را با او میدهد» نمونه دیگر: دولت انگلیس چهار صد کرور جمعیت دارد و دولت ایران بیست کرور با اینوصف در تهران بیست مقابل بیشتر عارض هست تا در لندن از فرق این دو حالت فرق اداره ایران و انگلیس را خودتان استنباط کنید.» ملکم از شدت علاقه بزبان و ادبیات فارسی از نظرات سهولت خواندن و نوشتن

الفبای ایران را بطور مقطع تنظیم کرد و بآن الفبا کتاب گلستانی در لندن بطبع رسانید که هم اکنون نسخه ای از آن در کتابخانه عمومی اصفهان بپاد کار فداکاری آن مرد ایران دوست موجود میباشد.

فداکاران دیگر - شادروان
ماطه هوس خان ملیک هانس یکی دیگر از رجال ایران دوست ارامنه است. آن مرحوم در اوایل مشروطه نخستین کتاب ابتدائی فارسی جدید را بنام نخست نامه تالوف و منتشر نمود و همین اولین کسی بود که تاریخ بیخوابون را بنام شمس طالع در نیم قرن قبل بزبان فارسی انتشار داد و تا آن موقع هیچ کس در ایران از سرزمین ژاپسون اطلاعی نداشت. همسر ماطه هوس خان یکی از مدیرهای پیشقدم مدارس دخترانه ایرانی است. این مدرسه دخترانه را مرحوم محمدولی خان سپهسالار تکمیل و پنجواو چند سال پیش برای دختران یتیم در تهران در نزدیکی منزل خود تاسیس کرد و اداره امور آن مدرسه را بخانم ماطه هوس خان واگذار کرد. دیگر شادروان یفرم خان سر - دسته مجاهدین و رئیس نظمییه ایران که عاقبت هم در جنگ زنجان جان خود را فدای ایران کرد. شادروان مورزا یانس که شاهنامه را با ترجمات بسیار بزبان ارمنی ترجمه نمود. آری این بود خلاصه مختصری از دوستی و همزیستی برادرانه ارامنه در ایران که امیدواریم همچنان ادامه یابد. ●●